

اداره کل امور حقوقی وزارت امور خارجه

تحليلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران (جلد دوم)

تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۶۷، ۲۱۵ صفحه + ۲۶ تصویر، ۵۰۰۰ نسخه، ۱۲۰۰ ریال

پس از انتشار جلد اول این کتاب در بهمن ماه ۱۳۶۱، جلد دوم در چهار بخش عناوین ذیل را دربرمیگیرد: *انسانی*
ادامه نقض اصول حقوق بین الملل توسط رژیم عراق در جنگ تحمیلی، انطباق مواضع جمهوری اسلامی ایران با قوانین و مقررات بین المللی، مسؤلیت دولتها در برابر تجاوز و نقض اصول حقوق بین الملل و مسؤلیت مجامع بین المللی نسبت به حفظ صلح و امنیت بین المللی و رعایت موازین حقوق بین الملل.

کتاب حاضر شرح هزاران هزار جنایت ارتش اشغالگر عراق در خاک کشور جمهوری اسلامی ایران نیست، بلکه صرفاً تلاشی است برای بررسی زمینه های این تجاوز و موضع دولت جمهوری اسلامی ایران بر مبنای قوانین بین المللی.

جرایم و مجازاتها

مؤلف: بکاریا، سزار

تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۸، ۱۵۸ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۶۰۰ ریال

زمانی که رساله کوچک جرایم و مجازاتها در سال ۱۷۶۴ در ایتالیا انتشار یافت تصور نمی رفت این رساله بعدها اساس نظام کیفری کشورهای اروپایی را دگرگون سازد. صولی که سزار بکاریا در این رساله پی افکند هر چند در این عصر بسیار بدیهی به نظر می رسد اما در زمان خود بدیع و شگرف تلقی می شد. سیاستی که بکاریا در این رساله به منظور حفظ حقوق و آزادی شهروندان توصیه می کند مبتنی بر چند اصل است: نخست برقراری نظام کیفری کاملاً قانونی، دوم تنظیم برنامه نوعی پیشگیری و سرانجام اطمینان قطعی به اثر ارعایی کیفرها. بکاریا نابسامانی و پراکندگی احکام دادگاه های زمان خود را معلول چند علت می دانست که یکی فقدان نص واحدی است که مستند تصمیمات دادگاه ها قرار می گیرد و دیگر اختیارات گسترده قضات که زمینه تعدی و اجحاف به حقوق مردم را فراهم می سازد. از سوی دیگر، بکاریا نخستین کسی است که پیشنهاد می کند برای کاهش میزان جرایم به جای کیفر بزهکاران با تحول در وضع اقتصادی و اجتماعی جامعه موجبات ارتکاب جرم از میان برداشته شود. بکاریا معتقد است تا زمانی که قوانین تدابیر مؤثر پیشگیری از جرم را پیش بینی نکنند، هیچ کیفری را نباید عادلانه به شمار آورد. سومین ویژگی سیاست جنایی بکاریا تعیین اهداف مجازاتهاست. بکاریا شدت بیش از اندازه کیفرها را درست نمی داند و بکار بردن شکنجه و خشونت را در اجرای کیفرها امری عیب می پندارد. او معتقد است شدت کیفرها برای مبارزه با جرم به هیچ وجه اطمینان بخش نیست، بلکه حتمیت آن است که جنبه

بازدارندگی از ارتکاب جرم را تفهیم می‌کند. انتقادهای بکارها از نظام جزایی عصر خود منحصر به چند و چونی کیفرها نیست، بلکه او آیین دادرسی و تشریفات ژانده آن را نیز مغل یک سیاست کیفری بسامان می‌داند.

ترجمه فارسی این کتاب همراه با حواشی آن به وسیله مترجم به همه پژوهشگرانی که به کار تطبیق در نظامهای حقوقی معاصر می‌پردازند اجازه خواهد داد دورنمای تحولات نهادهای حقوقی کشورهای اروپایی را از نزدیک مشاهده کنند.

جعفری ولدانی، اصغر

بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق

تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷، هیجده + ۷۱۵ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۳۵۰۰ ریال

در این کتاب، اختلافات مرزی ایران و عراق از نظر تاریخی و حقوقی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به دیگر سخن، می‌توان گفت که موضوع این کتاب بررسی تاریخی و حقوقی روابط ایران و عراق (و عثمانی) از ابتدا تا جنگ تحمیلی است. از نظر تاریخی، مطالعه روابط ایران و عراق تجارب باارزشی در اختیار نسلهای امروز و فردای ایران قرار می‌دهد که از آن می‌توان به عنوان پشتوانه‌ای برای آینده استفاده کرد، زیرا گذشته چراغ راه آینده است. از نظر حقوقی نیز مطالعه روابط ایران و عراق و یا به عبارت دیگر، مطالعه جنبه‌های حقوقی اختلافات بین دو کشور، نشان می‌دهد که حقانیت با کدامیک از طرفین است. به همین جهت در این کتاب، هر جا که ضرورت داشته، به مقررات و اصول حقوق بین‌الملل نیز اشاره شده است.

کتاب دارای پنج بخش است: بررسی اختلافات مرزی ایران و عراق تا استقلال آن کشور، مناسبات ایران و عراق

۱۲۹۹-۱۳۳۷ ش/ ۱۹۲۰-۱۹۵۸ م)، مناسبات ایران و عراق
(۱۳۳۷-۱۳۴۷)، از تشدید بحران تا بهبود روابط ۱۳۴۷-۱۳۵۷/
۱۹۶۸-۱۹۷۹) و لغو عهدنامه ۱۹۷۵ و تجاوز عراق به ایران.

دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۴

تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، آذرماه ۱۳۶۸، ۲۹۰ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۵۰۰ ریال

ترتیب عناوین مقالات منتشره در این نشریه چنین است:

الف. مقالات حقوقی:

بحشی پیرامون توثیق اسناد تجاری، سازمان قضایی ایتالیا از دیدگاه
قانون اساسی، نکاتی چند درباره مقررات پولی و ارزی از دیدگاه
حقوق بین الملل خصوصی، نقدی بر ماده ۱۱۸ لایحه اصلاح قسمتی
از قانون تجارت مصوب ۶۷/۱۲/۲۴، سخنی کوتاه در حقوق بیماران
و مجروحان و معلولان از نظر اسلام، ضمانت در تمهیدات و مسأله رد
در ارث زن و شوهر.

ب. مقالات سیاسی:

گرسنگی در جهان امروز (بخش دوم)، نگرشی سیاسی به قوانین
اساسی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، آزادی مطبوعات از
دیدگاه لنین (بخش دوم)، مبنای جامعه شناسی مذهبی ماکس وبر
(بخش دوم)، میرزا کوچک خان رهبر نهضت جنگل (بخش دوم)،
ابعاد تحول انقلابی، ریشه های پدیده جنگ و نقد و بررسی کتاب
اسرار کودتای ۲۸ مرداد.

«مجله حقوقی» (شماره یازدهم) پاییز و زمستان ۱۳۶۸

۳۲۸ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۶۰۰ ریال

- عناوین مقالات این شماره بدین ترتیب است:
- دکتر جمشید ممتاز: حمایت و توسعه محیط زیست دریایی خلیج فارس و دریای عمان.
- دکتر محمدعلی اردبیلی: کشتار جمعی.
- دکتر سیدحسین صفایی: محدودیتهای مربوط به حقوق مالی بیگانگان در قوانین ایران.
- دکتر ناصرعلی منصوریان: یاد استاد میشل ویرالی حقوقدان بین‌المللی.
- دکتر علی اصغر کاظمی: مفهوم آتش‌بس، ترک مخاصمه و مشارکت جنگ از دیدگاه حقوق بین‌الملل.
- دکتر ربیعا اسکینی: تعارض قوانین در داوری تجاری بین‌المللی. گزارش آرای دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحده.
- علی حیرانی نوبری: حاکمیت در منابع طبیعی (ترجمه).
- اسدالله کریمی: حمله آمریکا به گرانادا: پیامدها و وجاهت قانونی آن (ترجمه).
- فهرست موضوعی مقالات «مجله حقوقی» از شماره اول تا شماره دهم و فهرست اسامی مؤلفان و مترجمان.
- اسناد بین‌المللی (کنوانسیون ۱۹۸۶ در مورد قانون قابل اعمال در بیع بین‌المللی).

راهنما و مشخصات معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول

تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷، ۸۷۰ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه، ۴۰۰۰ ریال

این کتاب شامل عهدنامه‌ها، موافقتنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، تفاهم‌نامه‌ها، قراردادها، پروتکلها، صورت‌مجلسها، برنامه‌های مبادله و نامه‌های متبادل می‌باشد. عناوین مطروحه در کتاب بدین شرح است: تعریف، تقسیم، تصویب و انواع معاهدات بین‌المللی، توضیحی مختصر درباره «عهد» و «معاهده» در اسلام، راهنمای کشورها، فهرست موضوعی، فهرست عنوانها، راهنما و مشخصات معاهدات دوره قاجاریه و راهنما و مشخصات معاهدات دوره پهلوی.

ذاکر حسین، عبدالرحیم

تأسیسات حقوقی و سیاسی امپریالیستی

تهران، انتشارات چاپخش، ۱۳۶۸، ۱۷۶ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۸۰۰ ریال.

مؤلف محترم در دیباچه کتاب چنین آورده است:
تأسیسات حقوقی و سیاسی امپریالیستی، از آغاز راه‌حلهای حقوقی مناسبات میان کشورهای اروپای غربی با جهان خارج اروپا بویژه آسیا و افریقا در اواخر قرن نوزدهم میلادی است. فصل اول تحقیق حاضر، به تعریف «تأسیس» اختصاص یافته است و در فصول بعد به بیان علت برقراری روابط میان اروپا از یک طرف و آسیا و افریقا از جانب دیگر می‌پردازیم و آنگاه انواع تأسیسات را یکایک تشریح و تبیین می‌کنیم. این گونه تأسیسات که ساخته و پرداخته مناسبات امپریالیستی است در طول زمان، بخصوص پس از جنگ جهانی اول، تغییر یافتند و یا اینکه دست به دست گشتند و از کشوری به

کشور دیگر واگذار شدند. در جریان دو جنگ، بعضی از این تأسیسات، از میان رفتند و این شیوه ادامه داشت تا اینکه پس از جنگ جهانی دوم، خاصه با به استقلال رسیدن مستعمرات در قاره‌های آسیا و آفریقا، همگی این تأسیسات حتی قبل از پایان و ختم استعمار، از میان برداشته شدند. نوشته حاضر، شرح پیدایی و تحول و چگونگی امحای این تأسیسات را بیان می‌دارد.

ذاکر حسین، عبدالرحیم

مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت

تهران، انتشارات دانشگاه تهران، آبان‌ماه ۱۳۶۸، چهارده + ۴۵۶ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۱۰۰۰۰ ریال

مطالب مورد بحث در این کتاب طبق تقسیم‌بندی مؤلف طی یک پیشگفتار و چهار قسمت آمده است. در قسمت اول که از مجلس اول شروع و به مجلس مؤسسان ۱۳۰۴ ختم می‌شود، از رویدادهای خارجی و داخلی کشور در نظام سیاسی و مجلس و مطبوعات به ترتیب وقوع و به تفصیل سخن گفته شده است. در قسمت دوم که به شهریور ۱۳۲۰ ختم می‌شود، سخن به کوتاهی برگزار شده و جز درباره قوانین مطبوعات، آن هم به اختصار، بحثی نشده است.

در قسمت سوم که به نیمه اول سال ۱۳۳۲ پایان می‌یابد بیشتر به قوانین مؤثر در وضع مطبوعات و وقایع مؤثر در سرنوشت سیاسی کشور اشارت رفته است که با استعانت از بحث کلیات مربوط به مشروطیت می‌توان نتیجه مورد نظر را به دست آورد.

در قسمت چهارم که بخش اول آن تا سال ۱۳۴۲ ادامه دارد جز از دو مجلس (سنا و شورای ملی) و قانون مطبوعات و تأثیر آن قانون بر مطبوعات سخنی گفته نشده، و در بخش دوم که تا ۲۲ بهمن ۵۷

به درازا می‌کشد با تفصیل بیشتری سخن به میان آمده است. در پایان سخن، از کیفیت مجلس و دلایل اثبات بهم پیوستگی و هم‌سرنوشتی مجلس و مطبوعات در طی دوران مشروطیت و جریان سیاسی که حاکم بر مشروطیت و به‌طور کلی سرنوشت کشور بوده مطالبی بیان شده است

رفیعمان نیشابوری، حبیب‌الله

توضیحات و تعلیقات علی اللّمة الدمشقیة و شرحها (جلد اول)

حوزة علمیه حضرت ولی عصر (ع) خوانسار، ۱۳۶۸، ۵۷۶ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه، ۲۰۰۰ ریال

این کتاب جلد اول از مجلدات ششگانه توضیحات و تعلیقات بر لّمعه و شرح آن است. جلد اول، از کتاب طهارت تا کتاب صوم را دربرمی‌گیرد. ویژگیهای این کتاب را در موارد ذیل می‌توان خلاصه نمود:

۱. تحقیق درباره مشکلات عبارتی متن و شرح لّمعه، و توضیح با بیانی بسیار ساده و روان.
۲. تعیین مدارک اقوال فقهای شیعه با ذکر دقیق مأخذ.
۳. تعیین مدارک روایاتی که در متن و شرح لّمعه به آنها اشاره شده است در کتب احادیث معتبره.

سیف زاده، دکتر سید حسین

نظریات مختلف در روابط بین الملل

تهران، نشر سفیر، مهر ۱۳۶۸، ۲۷۰ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه، ۱۰۰۰ ریال.

مباحث این کتاب دارای سه بخش به شرح ذیل است:

۱. بررسی مقدماتی و مبتدوژیک درباره تئوریهها و اصول روابط بین الملل.

۲. تئوریا و اصول تبیین‌کننده در روابط بین‌الملل.

۳. تغییر و تحولات حاصل در متدلوژی و ماهیت روابط بین‌الملل.
کتاب حاضر با توجه به طرح مباحث فوق‌الذکر، از اهمیت خاص خود برخوردار است و مؤلف و تهیه‌کننده آن تلاش کرده تا ترجمه یا خلاصه‌ای اجمالی از محوری‌ترین تئوریا و نظریات مختلف روابط بین‌الملل را در چهارچوب این کتاب ارائه نماید.

شهیدی، دکتر مهدی

سقوط تعهدات

تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، نیمه دوم ۱۳۶۸، ۱۹۰ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۷۶۰ ریال

در این کتاب، اسباب سقوط تعهدات (وفای به عهد، اقاله، ابراء و اعراض، تبدیل تعهد، تهاتر، مالکیت مافی‌الذمه، فسخ، تلف مال مورد تعهد و ناممکن شدن عمل مورد تعهد و مرور زمان) هر یک در یک مبحث مورد مطالعه قرار گرفته است.

قسمتی از مطالب در حد برنامه درسی دوره کارشناسی برای فراگیری دانشجویان این دوره، با حروف درشت‌تر و قسمت دیگر تحت عنوان «بحث تفصیلی»، در پایان هر مبحث با حروف ریزتر، برای مطالعه دانشجویان دوره‌های دیگر و اهل تحقیق فراهم آمده است. در پایان نیز مسائل امتحانی سالهای گذشته، مربوط به مباحث مذکور، مطروح به وسیله مؤلف برای تمرین دانشجویان آورده شده است.

از بحثهای ابتکاری این کتاب، اعتباری بودن ماهیت پول است که ضمن بررسی تحلیلی، از این وضعیت نتیجه گرفته شده که در تعهد پولی لازم است مدیون مبلغی را که از جهت ارزش مبادلاتی معادل مبلغ دین در تاریخ ثبوت آن در ذمه اوست، به بستانکار پردازد نه مبلغ مساوی از حیث رقم و عنوان واحد پول.

حقوق در قلمرو شرکتهای تعاونی

تهران، انتشارات روزبهان، تابستان ۱۳۶۸، ۲۷۲ صفحه، ۲۵۰۰ نسخه، ۱۳۰۰ ریال

گسترش روزافزون تعاونیهای تولید، توزیع، مصرف، کشاورزی و روستایی - خصوصاً در سالهای اخیر - که یکی از ارکان تجارت و اقتصاد کشور محسوب می‌گردند، نویسنده محترم را بر آن داشته تا با استفاده از تجاربی که در خلال وکالت و مشاوره حقوقی به دست آورده است، مسائل و موضوعات حقوقی شرکتهای تعاونی را با بیانی ساده و به دور از اصطلاحات پیچیده به نگارش درآورد. عناوین مهم مطروحه را مؤلف در پیشگفتار کتاب چنین آورده است:

شرکت تعاونی چیست، چگونه به وجود می‌آید و به دست چه کسانی اداره می‌شود؟ عالی‌ترین تشکل صاحبان سهام در شرکتهای تعاونی چگونه منعقد می‌گردد؟ چه هنگامی مراجع دولتی ذی‌ربط در امور شرکتهای تعاونی دخالت می‌نمایند؟ شرکتهای تعاونی چگونه منحل می‌گردند و هیأت تصفیه چه وظایفی برعهده دارد؟ اتحادیه‌های تعاونی چیست و چند نوع اتحادیه تعاونی در قانون شرکتهای تعاونی پیش‌بینی گردیده است؟

موضوعات فوق و ده‌ها موضوع و مسأله حقوقی دیگر مطالب این کتاب را تشکیل می‌دهد که می‌تواند مورد استفاده وکلا، مشاوران حقوقی وزارتخانه‌ها، دانشجویان حقوق، اعضای هیأت مدیره و بازرسان و اعضای شرکتهای تعاونی و علاقه‌مندان رشته حقوق قرار گیرد.

نهادهای روابط بین‌الملل

مؤلف: پروفیسور کلود آبر کلییار، ترجمه و تحقیق دکتر هدایت‌الله فلسفی
تهران، نشر نو، ۱۳۶۸، ۸۴۰ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۴۴۵۰ ریال

این کتاب که در مجموعه آثار حقوقی «موجز» دالوز برای هشتمین بار در ۱۹۸۵ به طبع رسیده است به قول شارل روسو استاد صاحب‌نام حقوق بین‌الملل «اثر جامع و مفصلی در زمینه حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل و مرجع پربار و ارزنده‌ای است که به لحاظ وسعت منابع و عمق تحلیلهای علمی و روشن‌بینی نویسنده‌اش با کتابهای مشابه دیگر در جهان قابل قیاس نیست». در این اثر، پروفیسور کلییار، مطالب پیچیده حقوقی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را استادانه تجزیه و تحلیل نموده و مسائل مبهم را به زبانی ساده بیان کرده است. این کتاب از نظر جمع‌آوری اسناد و مدارک در نوع خود کم‌نظیر است و به همین جهت امروزه به عنوان کتابی مرجع مورد استفاده محققان روابط بین‌الملل قرار می‌گیرد و کمتر اثری را در زمینه حقوق بین‌الملل می‌توان یافت که از آن بهره نبرده باشد.

کلییار در کتاب خود، تحولات حقوق بین‌الملل و نهادهای بین‌المللی را مورد بررسی قرار داده و سپس به علل ظهور جامعه بین‌المللی در عصر کنگره‌ها پرداخته و نشان داده چگونه در عصر انقلاب صنعتی، روابط بین‌الملل نظم‌ی نوین یافته است. آنگاه هوشمندانه از جامعه بین‌المللی معاصر و همبستگی بین‌المللی سخن گفته است.

بدون تردید کتاب «نهادهای روابط بین‌الملل» اثری ابتکاری است و بیشتر از این جهت اهمیت دارد که مؤلف، روابط بین‌الملل را بر عامل همبستگی اجتماعی استوار ساخته و این درست همان

بینشی است که پیش از وی دوگی و ژرژ سل در اثباتش می‌کوشیدند و کسانی بر آن خرده می‌گرفتند.

این کتاب تاکنون به زبانهای روسی، ژاپنی و اسپانیایی ترجمه شده است و دانشجویان و اساتید اکثر دانشکده‌های حقوق، علوم سیاسی، علوم اجتماعی و اقتصاد کشورهای جهان از آن استفاده می‌کنند.

مترجم فارسی کتاب، ضمن ترجمه کامل متن، برای آنکه فهم مطالب پیچیده و دشوار را آسان نماید، خود به تحقیقی جداگانه دست زده و مطالبی بر آن افزوده، اما برای رعایت امانت و حفظ اصالت کتاب، این مطالب را با علایم و رموزی مشخص کرده است. مجلد نخست کتاب اخیراً منتشر شده و دو مجلد دیگر آن یعنی «همبستگی بین‌المللی» و «جامعه جهانی» در آینده نزدیک منتشر خواهد شد.

کاتوزیان، دکتر ناصر

حقوق مدنی: خانواده (جلد اول و دوم)

تهران، انتشارات بهنشر، شهریورماه ۱۳۶۸، ۲۴+۵۴۴ و ۸+۴۵۰ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۳۰۰۰ ریال

این کتاب اولین بار در آذرماه سال ۱۳۵۷ توسط مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران در یک مجلد منتشر شد. ولی با گذشت بیش از ده سال از تاریخ تألیف آن و با توجه به تغییرات و دگرگونیهای فراوانی که به اقتضای تحولات جامعه توسط مؤلف محترم در متن کتاب ایجاد شده، کتاب در حال حاضر در دو مجلد و با تازه‌های زیادی در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. بهتر آن دیدیم که برای معرفی این اثر ارزشمند و مقایسه بین دو چاپ قبلی و کنونی آن از پیشگفتارهای نگارنده گرامی بر هر دو چاپ مدد جویم و انگیزه‌ها و علل این تغییرات را در تقابل این دو پیشگفتار ببینیم:

● پیشگفتار چاپ اول

این کتاب تنها حقوق نیست؛ آمیزه‌ای است از حقوق و اخلاق، از آنچه هست و از آنچه بایستی باشد. نویسنده حقوق، همین که به خانواده می‌رسد، فتونی را که از پیش آموخته نارسا می‌بیند و پای استدلالیان را چوبین. حق نیز همین است، زیرا به دشواری می‌توان عواطف انسان و بازتابهای طبیعی او را در قالب قواعد محصور کرد. بشر در دورانی که از اجتماعی شدن او می‌گذرد کم و بیش آموخته است که برای همزیستی با دیگران، ناچار باید قواعد اجتماعی را گردن نهد، جامعه‌عاریتی بپوشد و رفتار و کردار خود را ملایم طبع دیگران سازد؛ ولی در همین دوران نیز همواره سلوک در خانواده را از مسائل خصوصی مربوط به خود می‌دانسته تا به دلخواه رفتار کند و در کنار زندگی اجتماعی گوشه خلوت و بی‌مزاحمتی نیز داشته باشد. شاید هم میل طبیعی به آزادزیستن باعث شده است تا خانواده را به سان حداقلی از محیط آزاد، برای خویش محفوظ دارد و آن را به عنوان کانونی مقدس از دسترس دولتها دور نگاه دارد.

حقوق برای نفوذ در این کانون همیشه با موانع بزرگ روبرو شده است. حکیمان رخنه دولت در این سرای مردمی را زیانبار و خطرناک شمرده‌اند و با جدا ساختن «تدبیر منزل» از «سیاست مدن» مرز قاطع و طبیعی میان دولت و خانواده را نمایان ساخته‌اند. تجربه نیز نشان داده است که هرگاه دولتها خواسته‌اند وجود خویش را بر خانواده تحمیل کنند، به آن آسیب رسانده‌اند؛ پس ناچار یا به ویرانی این کانون کمر بسته‌اند تا مانع خود کامگی و قدرت‌نمایی خویش را از میان بردارند، یا به ساختن چهارچوب بیرونی آن قناعت کرده‌اند تا شکل دلخواه را به آرامی مستقر سازند و نظم بیرونی و مالی خانواده را در بازرسی خود گیرند.

حقوق به دشواری به درون این مأمن طبیعی راه می‌یابد، زیرا وسیله تفسیم قواعد خود را ندارد. آنچه در آن می‌گذرد، از خصوصی‌ترین و عاطفی‌ترین چهره‌های زندگی است. نه شاهدهی برای رفتار ناهنجار می‌توان آورد نه ضابطه دقیق برای ارزیابی سلوک همسران به دست داد. همه چیز نسبی و عرفی و تابع شرایط مادی و معنوی زندگی خاص هر خانواده است و حقوق نمی‌تواند درباره چنین محیطی به طور شایسته تصمیم بگیرد؛ پس ناچار به وضع قواعدی مبهم و مجرد، مانند لزوم همکاری زن و شوهر و رفتار عادلانه با همسران، می‌پردازد و تعیین مصداقهای همکاری و عدالت را به عرف و اخلاق وامی‌گذارد.

ولی دروازه‌های این قلعه همیشه به روی قواعد اخلاقی باز است؛ چرا که خود نیز ساخته همین قواعد است. اخلاق در نفوذ خود به خانواده مانعی در راه ندارد، زیرا از روزن دل و به نیروی اعتقاد راه خود را می‌گشاید و نیازی به ضمانت اجرای خارجی و حکم زندان و غرامت نمی‌بیند.

آنان که در پی یافتن قواعد حاکم بر خانواده یا اصلاح آن هستند، خواه در مقام قانونگذار یا دادرش و استاد، بایستی در کنار کاوشهای حقوقی از جامعه‌شناسی خانواده نیز یاری بخواهند تا آنچه را بواقع حاکم بر خانواده است دریابند، از سنتها غافل نمانند و در تفسیر قواعد آرمانهای مذهبی و انسانی را از عوامل مؤثر شمارند، زیرا استحکام خانواده بر پایه همین سنتها و آرمانها نهاده شده و ریشه بسیاری از قواعد در آنها نهفته است.

خانواده را نمی‌توان در ردیف اداره آبیاری یا ثبت اسناد نوسازی کرد و نمونه غربی برای آن برگزید و دگرگون ساختن آن با ازدست دادن هویت ملی همراه است. بویژه اگر بنیان خانواده جنبه مذهبی و روحانی داشته باشد — چنانکه در جامعه ما نیز چنین است — این مسخ ملی آشکارتر می‌شود، زیرا دریغ است که روابط زن و شوهر و مادر و فرزند را، به جای اخلاق و سنتهای مذهبی، قوانین اداره کند.

طبع خانواده با حقوق و احکام آمرانه آن سازگار نیست و اثر قوانین در ایجاد نظم در آن ناچیز است. پس اگر در پی آن باشیم که سنتها را به دور افکنیم و قانون را جایگزین آن سازیم، در واقع، آن را میان تهی می‌سازیم. آنگاه است که زن و شوهر چون دو مدعی در برابر هم ظاهر می‌شوند: زن در برابر اداره منزل از شوهر دستمزد می‌خواهد و به‌سان سایر مزدوران کارشکنی و اعتصاب می‌کند؛ شوهر نیز در برابر پولی که می‌دهد سروری و حکومت می‌خواهد و گاه نیز با الگوی غربی، معشوقه داشتن را حق خود می‌داند. کودکان نیز در میانه نزاع یا به حساب نمی‌آیند یا وسیله تهدید و ارباب می‌شوند.

حقوق نمی‌تواند از کسی انتظار فداکاری داشته باشد، به ساختن انسانی منظم و غیرمتجاوز قانع است و عدالت را در این می‌بیند که هر کس به حق خویش برسد. ولی خانواده به چیزی بیش از اینها نیاز دارد. فداکاری و غیرخواهی شرط نخست و سنگ زیرین این بناست. عاشق صادق آن نیست که در راه معشوق به خود بیندیشد و در جستجوی منافع خویش باشد، همچنانکه مادر و پدر دلسوز نیز در راه سعادت فرزندان از خود می‌گذرند و آنچه را نمی‌بینند چند و چون کار خویش است. فرزند بایستی فداکاری و ایثار را در این مکتب فراگیرد و مفهوم اجتماع همبسته و همدل را بفهمد. نخستین درس را مادر به او می‌آموزد که شیره جانش را به رایگان تقدیم می‌کند تا استخوان فرزند را استوار سازد و شب بر بالین او نمی‌خوابد تا گهواره نوردیده را به نظم بجنباند و خواب نازش را شیرین‌تر کند. پدر نیز برای او تلاش می‌کند و هرچه دارد به پایش می‌ریزد تا نهال نوحاسته را برومند سازد. وجود خویش را در او می‌بیند و از مرز فداکاری می‌گذرد تا به یگانگی برسد.

اگر پدر و مادر یا همسران چنین نباشند در پیشگاه اخلاق قاصر و مردودند. ولی آیا حقوق می‌تواند تا این اندازه در تنظیم روابط اشخاص پیشروی کند و آیا وسایل آن را دارد که جمعی را وادار به

چنین اتحادی سازد؟ قانون می‌تواند مظهری خشک و بی‌روح از این همه احساس لطیف و تکالیف گوناگون اخلاقی را مورد حکم قرار دهد: شوهر را وادار سازد که نفقه زن و فرزند را بپردازد، یا از زن بخواهد که در مسکن شوهر بسر برد، یا طفلی را که از خانه گریخته بازگرداند، یا انحلال خانواده را اعلام کند. لیکن آیا این گونه احکام برای تأمین سلامت خانواده و ایجاد روح همبستگی در آن کافی است؟

نقش حقوق را در تنظیم خانواده نباید انکار کرد، زیرا هستند کسانی که جز به زور به هیچ منطقی تسلیم نمی‌شوند و درباره اینان تنها حقوق می‌تواند حداقلی از نظم و عدالت را مستقر سازد؛ ولی آنچه گاه از نظرها دور می‌ماند این است که آخرین و ناقص‌ترین حربه را نباید جایگزین نظام اصلی خانواده کرد و بدین دل خوش داشت که قانونگذار برابری و عدالت را مستقر سازد. این درست بدان می‌ماند که ادعا شود شهربانی جامعه را بی‌نیاز از دانشگاه می‌سازد یا پادشاهان می‌توانند به جای پیامبران نشینند.

با توجه به این حقایق است که در آغاز پیشگفتار اشاره شد که این کتاب تنها حقوق به معنی مرسوم خود نیست، یا به بیان دیگر، حقوق خانواده رنگ و چهره دیگر دارد و جنبه انسانی و عاطفی آن بر سیمای منطقی قواعد غلبه دارد و بر همه راه‌حلیها سایه افکنده است. این نکته به ظاهر بدیهی کلید اصلی همه معماها و بی‌عنایتی بدان سرچشمه همه کج رویهاست. پس شیوه‌های قانونگذاری یا تفسیر قواعد را از دو جهت باید نکوهش و محکوم کرد:

۱. در سالهای اخیر، زیر فشار نیروهای پنهان و آشکار پاره‌ای از گروه‌ها قواعد حاکم بر خانواده دگرگون شد و ناتوانی مجالس قانونگذاری باعث گردید تا در ۱۳۴۶ و ۱۳۵۳ قوانین طلاق و نکاح و بخشی از قواعد ولایت یکسره تغییر کند. هنگامی که صفحه‌های این کتاب در چاپخانه بود دولت اعلام کرد که لایحه اصلاح قانون حمایت خانواده در دست تهیه است و اگر نه‌توانه اجازه می‌داد

هم اکنون قانونی دیگر داشتیم و خانواده‌ای دیگر.

دولت از این اقدام خوشنود می نمود، زیرا به قصر ملکوت و پایگاه ملی رخنه می کرد. می خواست نظم خویش را جانشین سنت و اخلاق کند و توفیق در این راه حتی به بهای واژگون کردن این قلمه می ارزید. جمعی از کوتاه نظران نیز شادمانه زمزمه می کردند که سرانجام «اجتماعی شدن حقوق» به خانواده‌ها نیز کشیده شد و زورگوییهای فردی جای خود را به «عدالت خواهی» داد. اقلیتی نیز پیروزی خود را جشن می گرفتند که نیروی اهریمنی مستتها را شکستیم و آنچه را می خواستیم بر جایش نشانیدیم. ولی آنچه برجای ماند بالا رفتن آمار طلاق، فزونی یافتن کودکان بی هویت و گریز جوانان از تشکیل خانواده و تنزل ارج و احترام زن در جامعه بود. سازمان عاریتی زنان که خود را فاتح بزرگ میدان می دانست، بیش از همه برای آنان ضرر به بار آورد و آنچه به دست آورد سربابی بود که ارزش این خسران را نداشت.

باید اعتراف کرد که در میان نیروهای طرفدار تجدید فریادی از ظلم نیز به گوش می رسید و بازتابی از ستم نیز دیده می شد و نباید اثر این نیرو را — هرچند که ناچیز باشد — نادیده گرفت. از سنتها سوءاستفاده می شد و اخلاق را نیز جمعی به بازیچه می گرفتند و آنچه را پیشینیان مکروه‌ترین می شمردند اینان محبوب‌ترین می دانستند. پس جای آن بود که لجامی بر این خودسریها زده شود و طلاق به گونه‌ای محدود گردد تا بانوی خانه و مادر خانواده در برابر هوسبازیهای شوهر نادان بی پناه نماند. این ضرورت را همه احساس می کردند و حکم اخلاق چنان توانا می نمود که قانونگذار را به دنبال خود می کشید. ولی اصلاحی از این گونه می توانست بی اینکه نیازی به بازسازی قوانین خانواده و هیاهو درباره بردگی پیشین زن و آزاد شدن او باشد، در چهارچوب اصول پیشین انجام گیرد و همراه با احکام غیرمنطقی و گاه متضاد دیگر نشود.

در این پیشگفتار جای انتقاد از قوانین حمایت خانواده نیست و دانشجویان و سایر خوانندگان می توانند در این باره به متن کتاب

رجوع کنند، ولی به اجمال می توان گفت قانونگذار - چنانکه شایسته عنوان «حمایت خانواده» است - در این باره به وضع قواعد نپرداخته و گاه انحلال بیهوده خانواده را نیز دامن زده است.

باید افزود که سنتهای پا گرفته در خانواده های ما استوارتر از آن است که با این ضربه ها فروریزد، چنانکه امروز نیز توده مردم به راه خود می روند و برای تنظیم روابطشان کمتر به قانون و دادگاه روی می آورند. اخلاق نیز به آرامی پاره ای از نهادهای تازه را پذیرفته است. به بیان دیگر، عادات و رسوم و سنتها در ملایم ساختن قوانین نقش طبیعی خود را انجام داده و آنها را در خود حل کرده است. لیکن این ایستادگی ملی همیشه پایدار نمی ماند و اگر روش دولتها ادامه یابد رفته رفته به سستی می گراید، و این آغاز یک فاجعه ملی است. خانواده نیاز به سکون و ثبات و احترام متقابل و همبستگی دارد و این آرامش را نباید با تغییر بی درپی قوانین برهم زد و نظم دولتی را جانشین سنتها و عادات ملی ساخت.

۲. در کنار قانونگذاریهایی شتابزده و زیانبار، باید شیوه کسانی را هم که قواعد عمومی معاملات را در روابط زن و شوهر اجرا می کنند، نکوهش کرد. در تشکیل خانواده نوعی اتحاد و همبستگی مالی و عاطفی مورد نظر است نه معامله. پس آنچه مفهوم «عدالت معاوضی» در قراردادها ایجاب می کند، در روابط زن و شوهر قابل اعمال نیست. تن انسان و عشق و وفاداری او قابل خرید و فروش و معاوضه نیست تا بتوان تکلیف شوهر به پرداختن مهر را تعهد متقابل زن نسبت به سکونت مشترک و داشتن رابطه جنسی با او پنداشت و از این رابطه احکامی مانند «حق حبس برای شوهر» استنباط کرد یا قواعد تدلیس و عیب را - چنانکه در سایر معاملات است - در نکاح نیز به کار بست.

حقوقدان هنگام تفسیر و اجرای قواعد خانوادگی باید به خاطر داشته باشد که با رابطه دو انسان بی هیچ واسطه ای روبرو است و هدف این بخش از حقوق با تعهدات و قراردادها تفاوت کلی دارد؛ باید در تلطیف و اخلاقی کردن قواعد بکوشد و سرنوشت خانواده را فدای منطق حقوق نسازد، به مصلحت اندیشی پردازد و آرمانهای

اخلاقی را در تعبیر قواعد مؤثر سازد. این همان شیوه‌ای است که در تنظیم این کتاب به کار رفته و به «روش علمی آزاد» شباهت دارد.

• سخنی درباره چاپ دوم:

خانواده پناهگاه انسان اجتماعی است: مأمنی که به دلخواه برگزیده می‌شود تا جایی برای سکون و آرامش باشد. عادات و رسوم اجتماعی و اخلاقی، سرپناه و محافظ این مکان مقدس است و راه نفوذ قوانین دولتی را می‌بندد. با وجود این، حکومت از هر فرصت استفاده می‌کند تا چتر حمایت بر فراز آن بگسترده و بدین بهانه از دیوارهای سنتی بگذرد. روزی این نفوذ به نام تجدد و حمایت از حقوق زن و کودکان انجام می‌گیرد و روز دیگر برای زدودن آثار نامبارک آن تحول و استقرار سنتها. در هر حال، سیاست و مصلحت این چهره زندگی را نیز آرام نمی‌گذارد و می‌کوشد تا حرکت خانواده را در استخدام داشته باشد.

نسخ بخش مهمی از قانون حمایت خانواده، تشکیل دادگاه مدنی خاص، اصلاح قواعد نکاح و طلاق و ولایت و تمایل رویه قضایی برای اجرای احکام سنتی فقه، از عواملی است که چهره حقوق خانواده را در ده سال اخیر بکلی دگرگون ساخته است. ثبات نسبی که در این زمینه دیده می‌شود مرهون مقاومت آداب و رسوم اجتماعی است، و گرنه همه چیز درهم می‌شکست.

در این دوران، حتی آسیبها هم تغییر چهره داده است:

زمانی که چاپ نخست این کتاب انتشار می‌یافت، خانواده از سرکشی و سنت شکنی و تقلیدهای ناروا و به‌طور خلاصه از سستی و بی‌حرمتی رنج می‌برد، ولی اکنون از غم پراکندگی و فراق و داغ بیمار است؛ آن روز به قهر و نظم نیاز داشت و امروز به تیمار، به مرحمی که بر زخمها نهد و توان راه یافتن را باز یابد.

برای این تیمار و هدایت، حقوق به سختی ناتوان است؛ ولی باید از تلاش باز نایستد، آنچه دارد در طبق اخلاص نهد و بکوشد تا

سکون و امنیت را به خانواده‌ها بازگرداند و از پراکندگیها بکاهد. بخش مهمی از این تلاش برعهده قانونگذار است، ولی دادرسان و نویسندگان حقوقی نیز در این زمینه مسؤول اند. اینان نقش پرستار را دارند و باید دارویی را که به بازار آمده است به هنگام و با لطافت به بیمار دهند و از هر فرصت برای دلجویی و دلگرمی او استفاده کنند.

در کتاب حقوق ناچار بایستی به شرح و تفسیر قوانین پرداخت و برخورد نظام قانونی را با اخلاق و رسوم اجتماعی مطالعه کرد و در نتیجه به «حقوق زنده» دست یافت. به همین جهت، با تغییر قوانین، بخشهای مهمی از این کتاب دوباره تدوین و نوشته شده است. بویژه در مورد طلاق، تألیفی تازه است که برای نخستین بار منتشر می‌شود. در برداشتی تازه که در ماده ۱۱۳۰ ق. م. ارائه شده و در قوانین گذشته و فقه نیز سابقه روشنی ندارد، مبنای «طلاق به درخواست زن» عسر و حرج او در ادامه زندگی خانوادگی است و همه موجبات دیگر برپایه این قاعده ارزیابی می‌شود. همین تحول بخش مهمی از کتاب را تغییر داده است.

چند مبحث تازه نیز بر کتاب افزوده شده است. مسؤولیت ناشی از حضانت - که در واقع چهره ویژه‌ای از احکام مسؤولیت مدنی در روابط خانوادگی است - و مبحث «قیمومت» و چندین بخش تازه از «خواندنیها» در زمینه‌های تملیح مصنوعی و آشنایی با حقوق خارجی و شناسایی فرزند طبیعی و مسائل مربوط به تعارض زمانی و مکانی قوانین از جمله آنهاست. تازه‌های رویه قضایی هم در نشر تازه چشمگیر است و نقل و نقد آنها مطالب نظری را به واقعیتها پیوند می‌دهد.

گذشته از اینها منابع فقهی و خارجی کتاب نیز فزونی یافته و نکته‌های حقوقی و اجتماعی بسیار بر متن پیشین افزوده شده است، چندان که می‌توان گفت کمتر عنوانی است که دست نخورده به جا مانده و موضوع اصلاح یا تغییر و تکمیل قرار نگرفته باشد. به همین

جهت، باید پذیرفت که آنچه در این نشر ارائه می شود فراتر از یک متن تجدیدنظر شده عادی است و اگر آن را تألیفی نو یا بازنوشته ای از حقوق خانواده بنامیم، گزاف نگفته ایم.

از سوی دیگر، طبع قواعد مربوط به پیوند زن و شوهر و انحلال آن با آنچه در رابطه پدر و مادر و فرزندان مطرح می شود با هم تفاوت آشکار دارد: منبع نخستین رابطه، عمل حقوقی است که به تراضی واقع می شود و با انشاء عمل ارادی دیگر پایان می پذیرد، در نتیجه، اراده در آن نقشی مؤثر دارد؛ ولی رابطه دوم در زمره وقایع حقوقی است که نظم آن به قانون سپرده شده است. نسب و انفاق و ولایت و حضانت در شمار نهادهای اجتماعی است و به وسیله قواعد امری احاطه و اداره می شود و تراضی در آن سهمی ناچیز و فرعی دارد. درست است که این دو رابطه در نهاد عام تر خانواده به هم پیوند می خورد و سازمان حقوقی گسترده تری را تشکیل می دهد، لیکن این اتحاد نیز مانع از دوگانگی طبیعت موضوعهای مورد مطالعه نیست.

از نظر حجم مطالب هم تدوین تازه به دشواری در یک مجلد می گنجید. پس کتاب خانواده را در دو مجلد فراهم ساختیم، بدین گونه که یکی به رابطه زن و شوهر - یعنی نکاح و طلاق - اختصاص یابد و دیگری ویژه رابطه پدر و مادر و فرزندان باشد. مجلد دوم از نسب آغاز می شود، سپس به همبستگی خانوادگی و آثار آن (مانند الزام به انفاق) و سرپرستی و حمایت از کودکان و محجوران خانواده می پردازد و سرانجام به فرزندخواندگی می رسد.

در تدوین تازه بخش خانواده، کوشیده ام تا با نقد نهادهای مفید و مزاحم، راه رسیدن به عدالت را هموار سازم. از تاریخ و جامعه شناسی و تحلیل قوانین استفاده کرده ام تا به حقوق زنده دست یابم؛ ولی هرگز به آن پای نیستم و از آرمایی که در دل داشتم غافل نماندم. گاه نیز شوق برقراری عدالت مرا از حصار قوانین بیرون برده است:

سالیانی دراز است که قانع شده ام وجدان دادرس باید در اجرا و

تفسیر قوانین جای شایسته‌ای داشته باشد و پای چوبین استدلال و اطاعت از قوانین دولتی دست و پای دادرس را به طور کامل نبندد. تنها در این فرض است که قانون نیز جان می‌گیرد و با اخلاق و رسوم اجتماعی حرکت می‌کند. دیگر واژه‌ای بی روح بر صفحه کاغذ یا امر حکومت نیست؛ شمشیر بران عدالت و مرحم انصاف است، با نیازها همگام و با آرمانها همسو است.

سعی من بر این است که قوانین را محترم شمارم و نظم را نگاه دارم، ولی این شکیبایی نیز برای خود حذی دارد. همین که با ستمی آشکار روبرو شوم، در پشت سدهای شهرت و رسم و رویه قضایی و صنایع ادبی و منطقی فرو نمی‌مانم. از هر وسیله که علم حقوق در اختیارم نهاده است بر آن قاعده می‌گویم تا از رونق و جلا بیفتند. اگر بتوانم از آن می‌گذرم و اگر چندان صریح باشد که وامانم، سرافرازم که با ظلم درافتاده‌ام. آسودگی ام آنجاست که غباری بر چهره عدالت نیینم... چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم.

کاتوزیان، دکتر ناصر:

حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها (جلد سوم)

تهران، انتشارات بهنشر، خردادماه ۱۳۶۸، ۸+۴۷۴ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۳۲۰۰ ریال

برای آشنایی خوانندگان محترم با این مجموعه، بهتر دیدیم تا قسمتهایی از سرآغاز جلد اول کتاب قواعد عمومی قراردادها را در اینجا بیاوریم:

گرایشهای اجتماعی در دو سده اخیر، سبب شده است تا مفهوم «تکلیف» و «مسئولیت» اعتباری تازه و درخور تحسین بیابد. پیشنهاد می‌کنند که واژه «حق» از فرهنگهای سیاسی و اجتماعی زده شده شود. علوم اجتماعی به ما می‌آموزد که انسان ساخته محیط خود و تابع ضرورتهای زندگی جمعی است؛ از این پس، تنها

بایستی از تکلیف سخن گفت و همبستگی و تعاون را مبنای همه ارزشها ساخت. عدالت و اخلاق هم در صورتی مفهوم پیدا می‌کند که به وصف «اجتماعی» مزین شود.

پیروان اقتصاد ارشادی و دولتی نیز به این فکر دامن می‌زنند: «عدالت توزیعی» را ستایش می‌کنند تا از ارزش «عدالت معاوضی» بکاهند و آن را ستمی در چهره داد وانمود سازند.

از این دیدگاه، قرارداد پدیده‌ای اجتماعی است. این پدیده نیز همانند سایر رویدادها به وسیله گروه و دولت اداره می‌شود، ارزش خود را از قانون می‌گیرد و در استخدام هدفهای اقتصادی درمی‌آید. آثار عقد نیز در اختیار قانون است و دادرس می‌تواند آن را تعدیل کند. «تراضی» مبنای صدور حکم است نه منشأ حق و تکلیف. به جای احترام به قرارداد باید آن را «اداره» کرد، از «حاکمیت اراده» چشم پوشید و از حکومت قانون سخن گفت.

این شیوه تفکر، بی‌گمان از اعتبار اخلاقی و ماورایی قراردادها کاسته است: گزاره‌های حکیمان پیشین دیگر خریداری ندارد و اراده انسان یگانه قانون زندگی او در اجتماع نیست. آزادی قراردادی مرزهای معقول یافته و حکومت جمع چهارچوبی برای ابتکارهای خصوصی فراهم آورده است. پاره‌ای از قراردادها نیز مانند قرارداد کار و اجاره و بیمه - تنها نامی از عقد بر سر خود دارد و به نهادی اجتماعی برای ترویج سیاستهای اجتماعی و اقتصادی دولت تبدیل شده است؛ ولی این تمایل هرگز نتوانسته است ارزش تراضی و قرارداد را در تنظیم روابط اقتصادی از بین ببرد: همه آن را دست کم به عنوان یک وسیله مفید اجتماعی می‌پذیرند و دولتها نیز ترجیح می‌دهند تا تکالیف را زیر سرپوش قرارداد تحمیل کنند.

دلیل واقعی این اعتبار پایدار میل طبیعی انسان به آزاد زیستن و استقلال است. این موجود متفکر می‌داند که زندگی اجتماعی با خودسری و خودبینی سازگار نیست؛ با وجود این، مایل است که با

قانون خود بر آنها لجام زند و تابع اراده خویش باشد؛ به سختی تکلیف بیرونی را می‌پذیرد تا اگر به ناچار بخشی از آزادی را فدای مصلحت جمع می‌کند، استقلال را برای خود نگاه دارد؛ دوست دارد که تکلیف را نیز از ندای درون تحمل کند. تمام نظریه‌های سیاسی و مباحث مربوط به «حاکمیت» و «عدالت» در این مسأله خلاصه می‌شود که چگونه باید ضرورت‌های زندگی اجتماعی را با خواست‌های انسان درباره «آزادی» و «برابری» و «استقلال» جمع کرد؟ به بیان دیگر، این آرمان‌های طبیعی، موانع اساسی در راه ایجاد قدرت بی‌انتها برای دولت است.

میل به آزاد زیستن و کشش به سوی برابری و استقلال، انسان را به ایستادگی در مقابل الزام‌های خارجی وامی‌دارد. بدین سبب است که معلمان اخلاق کوشیده‌اند تا از روزن دل به ضمیر آدمی راه یابند و سختی تکلیف را با جلیب اعتقاد و ایمان ملایم سازند. حتی ستمگران و زورگویان تاریخ نیز به فراست دریافته‌اند که بهتر است قدرت خود کامه را با اوصاف «اراده ملی» یا «اراده خداوند» بیارینند و بدین گونه الزام حکومت را به وجدان و اراده فرد منسوب سازند: جذبه‌ای عاریتی به وجود آورند یا دست کم روح سرکش او را آرام کنند.

مقاومت طبیعی انسان در برابر الزام خارجی، در رابطه بین دولتها در چهره «استقلال طلبی» ظاهر می‌شود. ملت مفهومی مقدس پیدا می‌کند و شهروندان گاه همه ارزشها را فدا می‌کنند تا میهن را از گزند بیگانه مصون دارند. در حقوق عمومی، «دموکراسی» را شیوه مطلوب حکومت می‌سازد تا همه چیز را مردم از آن خود بدانند و جبری احساس نکنند. نظریه «قرارداد اجتماعی» بازتابی از همین تمایل است و ریشه غالب انقلاب‌های سیاسی در جلوگیری از سلطه خارجی بر ملت و مردم نهفته است. در حقوق خصوصی، «قرارداد» را نهادی محترم می‌کند و «اصل آزادی قراردادی» را برپا می‌دارد تا مردم به شیوه دلخواه زندگی کنند و عدالتی را که خود می‌پسندند

حاکم بر روابط اجتماعی سازند.

وانگهی احترام به عهد و پیمان از رسوم دیرپای انسانیت است و زشتی نقض عهد را همهٔ معلمان اخلاق تأیید کرده‌اند و پیوسته در قوانین آسمانی و زمینی تکرار شده است.

بیهوده نیست که با وجود همهٔ انتقادات و نکوهشهای رنگارنگ اجتماعی هنوز هم قواعد مربوط به «قراردادها» بخش مهمی از مجموعه‌های قوانین مدنی و تجارتی را به خود اختصاص داده است و با همهٔ گسترشی که احکام مربوط به «مسئولیت مدنی» پیدا کرده است، قرارداد نیز جای شایستهٔ خود را دارد.

□

در دورانی از تاریخ که عقد تنها در قالبهای پیش ساخته ارائه می‌شد و «عقود معین» محل ایجاد التزام برای دو طرف آن بود، حقوق نیز به آثار این عقود می‌پرداخت و چندان نیازی به تدوین «قواعد عمومی قراردادها» احساس نمی‌گردید؛ ولی شکسته شدن چهارچوبهای سنتی و طرح مسائل ویژهٔ جامعهٔ صنعتی در پیمانهای بازرگانی و بویژه حمایت از اضل آزادی قراردادی، باعث شد که نویسندگان به استنباط و تدوین این قواعد پردازند و قوانین نیز توجه بیشتری به کلیات قراردادها کنند.

در قه نیز این تحول کم و بیش دیده می‌شود: در حالی که به طور مرسوم مباحث مربوط به هر معامله زیر عنوانهای ویژهٔ خود (مانند بیع و اجاره و رهن و شرکت و صلح) آمده است، فقیهان به تدریج دریافته‌اند که در کنار فروع خاص هر عقد معین، بایستی به نظریهٔ عمومی قراردادها نیز پردازند و قواعدی را استنباط و فراهم کنند که تنها به عقد معینی نظر ندارد و حاوی نظام کلی همهٔ عقود می‌شود. نام کتابهایی که چنین احکامی را مطرح می‌ساخت «قواعد فقه» نامیدند تا از دوره‌های مرسوم فقهی که به «مسائل فقه» می‌پرداخت ممتاز شود.

شیوه تحقیق در کتابهای «قواعد فقه» استقرایی است، بدین معنی که محققان می‌کوشند تا از استقراء در احکام پراکنده در عقود معین، قواعد عمومی قراردادها را به دست آورند، چنانکه نام «تمهید القواعد» شهید، که از قدیمی‌ترین و معتبرترین این گونه رساله‌هاست، همین مفهوم استقرایی را به ذهن می‌آورد.

گذشته از کتابهای قواعد فقه، گاه نویسندگان رساله‌ای را که حاوی یک یا چند قاعده فقهی (مانند «لا ضرر» و «صحت عقد» و «ضمنان معاوضی») است بر دوره‌های فقهی افزوده‌اند و بدین سان به تدوین قواعد عمومی قراردادها کمک کرده‌اند. این رساله‌های اختصاصی، منابع ارزنده‌ای در زمینه کار ماست. با وجود این، باید پذیرفت که گامهایی از این گونه از دیدگاهی که ما به آن نظر داریم به حد کمال نزدیک نشده است و به دلیل پراکندگی و نداشتن پیوستگی و هدف مشترک با سایر قواعد نمی‌تواند به یک نظریه عمومی برسد و نظم علمی مطلوب را بیابد.

از سوی دیگر، رفته رفته سنت بر این جاری شد که در مهمترین عقد معوض - یعنی بیع - به تحلیل جامعی از شرایط انعقاد و آثار و انحلال عقد پرداخته شود. این سنت با تدوین «مکاسب» شیخ مرتضی انصاری به کمال مطلوب رسید. از آن پس، همه اندیشه‌ها متوجه مباحث این کتاب و شیوه تحلیلی آن شد، چندان که می‌توان گفت فقه امامیه در حاشیه‌های «مکاسب» به اوج خود رسید.

در این حاشیه‌ها و شرحها، به شیوه شیخ عنوان از کتاب بیع انتخاب شد، ولی محتوای بحث در این قالب محصور نماند و همه قراردادها و بخش مهمی از «مسئولیت مدنی» را نیز دربرگرفت. بحثها به تدریج پخته‌تر و عینی‌تر گشت، زیرا حاشیه‌نویسان در تحلیلهای خود از نوشته‌های بزرگانی چون علامه و شهیدین و محقق ثانی و صاحب جواهر نیز سود بردند و گاه نهادهای تازه‌ای را بر آن افزودند. فقه سنتی از تکامل باز نایستاد. با وجود این، در سیر تحول تازه نیز نقص مهم، تکراری رویه و محدود ماندن در شیوه شیخ بود

که سالیان دراز دنبال شد. به ندرت ابتکاری در طرح و تنظیم مطالب صورت گرفت. همه به نقد و توضیح عبارات شیخ و استاد خود پرداختند و بدین کار مباحثات کردند. حاشیه نویسی جای تألیف علمی را گرفت. هیچ نویسنده‌ای در پی آن نبود که حصار زرین را بشکند و طرحی نو دراندازد. مسائل دنیای نو، یا در این نوشته‌ها راه نیافت و یا زیر عنوان «مسائل مستحدث» جداگانه طرح شد تا خللی به شیوه سنتی نرساند.

در چنین وضعی بود که جلد اول «قانون مدنی» در سال ۱۳۰۷ تنظیم شد: تاریخ قانونگذاری ایران هیچگاه زحمات و دوراندیشی و پختگی نویسندگان این قانون را فراموش نمی‌کند. اینان با درایت کامل صورت را از قانون مدنی فرانسه — یعنی آشناترین متن معتبر در عصر خود — و محتوا را از فقه امامیه گرفته و از آن ترکیبی ساختند که هنوز همتایی برای آن نمی‌توان نشان داد. قالب سنتی شکست و جوهری را که در درون داشت به لباسی نو آراست.

تدوین قانون مدنی را بی‌گمان باید سرآغاز تحولی بنیادین در تدوین «قواعد عمومی قراردادها» دانست. این قانون که با گذشت بیش از نیم قرن عمر اکنون گرد پیری بر چهره دارد، چنان فاضلانه نوشته شده است که هنوز هم حقوقدانان ما ترجیح می‌دهند که متن آن دست نخورده باقی بماند و بیشتر از راه تفسیر علمی و، در صورت لزوم، تصویب قوانین استثنایی مورد نیاز، به رعایت ضرورت‌های اجتماعی پرداخته شود.

تجربه نشان داده است که هرگاه دستی شتابزده در این بنای کهن و استوار راه یافته، از نقص که چیزی نکاسته هیچ، عیبی نیز بر آن افزوده است. سرنوشت دو قانون اصلاحی روابط مالک و مستأجر و حمایت خانواده، با اینکه زاده نیازهای اقتصادی و اجتماعی زمانه بود، بخشی از این تجربه تلخ است. اصلاحات سال ۱۳۶۱ نیز تجربه دیگری است. بخشی از این اصلاحات با تغییر نظام حکومت ضروری می‌نمود؛ ولی حذف ماده ۲۱۸ قانون مدنی در زمینه «معامله به قصد

فرار از دین»، اصلاح ماده ۱۲۱۰ قانون و تبصره‌های آن، از بین بردن «اماره رشد» و تعارض ناهنجار تبصره ۲ ماده ۱۲۱۰ با متن آن مدت‌ها دادرسان و حقوقدانان را شگفت‌زده کرد و هم‌اکنون تعبیرهایی که از این مواد در مراجع رسمی و نیمه‌رسمی می‌شود ذهن را قانع نمی‌کند. به همین جهت نیز در متن کتاب وقت زیادی صرف شده است تا راه‌حلی برای این درهم‌ریختگی پیدا شود.

ادعای اینکه قانون مدنی نیاز به اصلاح ندارد گزافه است، لیکن شتابزدگی در چنین اقدامی خطیر نیز بی‌گمان ناپسند و گناه است. حذف و نسخ و تخریب به‌ساعتی میسر است، ولی اصلاح و تعمیر و سازندگی نیاز به تأمل و تحقیق و مشاوره و صرف وقت فراوان دارد، بویژه که موضوع آن نظام حقوقی کشوری کهنسال و فرهنگی پا گرفته باشد.

در هر حال، وجود قالبی نو برای محتوایی کهن، در عین حال که آغاز تحولی مفید می‌نمود، باعث دشواری تازه‌ای در شرح مواد قانون مدنی در زمینه قراردادها شد: بعضی چنان شیفته قالب شدند که فراموش کردند قانون هر قوم زاده تاریخ و وابسته به شرایط فرهنگی و اقتصادی و اعتقادهای آن قوم است و پیوند خارجی را به زحمت می‌پذیرد؛ پس به نام نوگرایی دست از فقه شستند و قانون مدنی را همچون ترجمه‌ای ناقص از قوانین فرانسه و سوئیس پنداشتند. جمع دیگر، بدین بهانه که این قانون همان ترجمه فقه امامیه است به متن آن بی‌اعتنا ماندند، فتوای هر فقیه را حقوق شمردند و از آن تفریط نابجا بدین افراط خطرناک فروافتادند. ولی تمام کوشش نویسنده در این است که قانون مدنی به‌عنوان میراثی گرانبها و همچون درختی کهنسال که ریشه در اعماق فرهنگ این مرزوبوم دارد، در برابر فتاوا و نظریات خصوصی از یک سو و هجوم اندیشه‌های بیگانه از سوی دیگر، اصالت و شخصیت یابد؛ از ریشه‌های تاریخی خود جدا نشود؛ اما قدرت جذب اندیشه‌های نورا نیز داشته باشد و انعطاف ضروری در سازگار شدن با محیط و شرایط زندگی را پیدا کند. با آرمانها ملایم و با نیازها موافق باشد.

برای رسیدن به هدف، تنها به همت و دانش اکتسابی متکی نبوده‌ام. پیوسته از خدای خود نیز به نیایش خواسته‌ام که دلم را صافی و ذهنم را روشن کند:

مادرس سحر در ره می‌بخانه نهادیم محصول دعا در ره جانانه نهادیم

پس اگر پذیرای آن نور هدایت نیز نشده باشم و هدیه‌ای که به پیشگاه عدالت تقدیم می‌کنم مقبول نیفتد، همه عمر را در این راه باخت‌ام؛ ولی بر فرض که چنین باشد باز هم دلخوشم که سعی خویش بجا آورده‌ام. مگر نه این است که قصد ادای دین هم برای خود اجری دارد؟

کتاب «قواعد عمومی قراردادها» از دوره حقوق مدنی، در چهار مجلد تدوین شده است: مجلد نخست به مفهوم عقد و شرایط انعقاد و اعتبار قرارداد (تراضی) اختصاص یافته است؛ در مجلد دوم به سایر شرایط اساسی عقد (اهلیت و اختیار طرفین، موضوع و جهت معامله) پرداخته شده است و ضمیمه‌ای در باب ضمانت اجرای این شرایط (بطلان و عدم نفوذ) نیز با خود دارد؛ مجلد سوم ویژه آثار قرارداد است؛ در مجلد چهارم از انحلال قراردادها و «خيارات» بحث می‌شود و حاوی «نظریه عمومی ایقاع» نیز هست. جز در مورد «ایقاع» که در دفتری جداگانه ضمیمه «قواعد عمومی قراردادها» شده است، مطالب هر چهار مجلد در واقع بخشهای یک کتاب است و سعی شده است تا با همین بافت نیز تدوین و ارائه گردد.

کاظمی، سید علی اصغر

ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس

تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸، نه + ۲۴۹ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۱۰۰۰ ریال

«باید اعتراف کرد که در روابط بین‌المللی امروز هنوز مناسبات زورمدارانه حاکم است و حقوق و قانون آن‌طور که شایسته است

امکان برقراری نظم عمومی دنیا را ندارد. با این وجود، قواعد، موازین و قوانین بین‌المللی به‌عنوان یک ملجأ و مأمن هرچند نامطمئن، از محدود راه‌کارهایی است که کشورهای جهان سوم برای اعمال حاکمیت و حفظ منافع و حقوق مشروع خود در دریاهای مجاور خویش می‌توانند به آنها توسل و تمسک جویند. بررسی حاضر نیز کوششی است هرچند مختصر و ناقص به‌منظور روشن کردن جنبه‌های مختلف موضوع حاکمیت ایران در خلیج فارس؛ آبراهی که بدون اغراق نبض نظم سیاسی و اقتصادی جهان به‌شمار می‌آید.»

سطور فوق‌فرازمایی از مقدمه مؤلف بر کتاب مزبور است. گفتنی است که مطالب این کتاب در هشت فصل چنین تنظیم شده است: اعمال حاکمیت در خلیج فارس: مرور تاریخی، مبانی حقوقی اعمال حاکمیت در خلیج فارس، اعمال حاکمیت در دریای سرزمینی و منطقه نظارت، اعمال حاکمیت در آبهای داخلی، اعمال حاکمیت در تنگه هرمز، اعمال حاکمیت در اروندرود، اعمال حاکمیت و صلاحیت در فلات قاره و مناطق انحصاری اقتصادی خلیج فارس، آینده حاکمیت ایران در خلیج فارس از دیدگاه حقوق دریاهای.

در پایان «اسناد حقوقی، قوانین و موافقتنامه‌های ایران با سایر کشورهای خلیج فارس»، «اطلاعات کلی در مورد جغرافیا، اکولوژی، جزایر و منابع خلیج فارس» و «نقشه‌های خلیج فارس» طی سه ضمیمه آورده شده است.

داوری و مؤسسات تجاری - دولتی

مؤلف: کارل هاینز - بوکشتیگل

تهران، ۱۳۶۸، انتشارات کمیته ایرانی - اتاق بازرگانی بین المللی (ICC)، چاپ پیشبرد، چهارم ۱۸۰+
صفحه، ۹۰۰ ریال

مترجم محترم در قسمتهایی از مقدمه ارزشمند خود چنین آورده است:

دخالت و حضور دولتها در صحنه تجارت داخلی و بین المللی از طریق مؤسسات، سازمانها، شرکتهای، مراکز و فی الجمله واحدهای دولتی انجام و تصدی می شود. این دخالت و حضور که بویژه در کشورهایی که دارای نظام سوسیالیستی یا نظام اقتصادی دولتی و متمرکز هستند، بیشتر و وسیعتر است، مسائل حقوقی خاص خود را دارد. از یکسو به لحاظ وجود و حضور دولت در روابط تجاری و قراردادی، پاره ای اقتضائات ناشی از حاکمیت دولتها و به تبع آن احکام حقوق عمومی یا حقوق بین الملل عمومی مطرح و دخیل می شود؛ از سوی دیگر به علت طبع مخصوصی که این روابط و قراردادها دارند، ماهیتاً در حوزه حقوق خصوصی قرار می گیرند و لزوماً مشمول احکام حقوق تجارت بین الملل یا حقوق بین الملل خصوصی می باشند. طبیعت دوگانه این مسائل طوری است که نه می توان صرفاً براساس قواعد و اصول حقوق خصوصی پاسخ آنها را یافت و نه می توان طبق موازین و مبانی حقوق عمومی آنها را حل کرد، بلکه به جهت همان ماهیت دوگانه ای که دارند، تعبیه و تدبیر راه حلهای خاصی را اقتضا می کنند که حسب مورد و به تدریج در قوانین یا رویه داخلی کشورها یا در عهدنامه ها و آراء و تصمیمات مراجع رسیدگی بین المللی مانند داوریه ها و نیز در عرف بین المللی منعکس می گردد. از جمله این موضوعات یا مسائل که جنبه حقوقی یا قضایی دارند،

مسائل مربوط به داوری‌هایی است که دولت یا واحدهای تابعه آن، به صورت خواهان یا خوانده، طرف آن باشند.

کتاب حاضر که براساس یک تحقیق بین‌المللی تدوین و گردآوری شده است، به همین موضوع پرداخته و با استقصای نظرات و نیز جمع‌آوری رویه‌های داخلی کشورها و رویه بین‌المللی در این مورد سعی کرده تصویر نسبتاً جامعی از آن ارائه دهد.

از جمله مباحث مهمی که در این کتاب مطرح و مورد بحث قرار گرفته عبارت است از:

— رویه واحدهای تجاری - دولتی در مراجعه به داوری

— تعیین قانون حاکم

— مسأله استقلال شخصیت حقوقی طرف داوری

— اجرای احکام داوری

— پیشنهاداتی برای بهبود کار

— نتیجه‌گیری

کتاب مذکور برای مدیران شرکتهای، مؤسسات تجاری و کلیه دست‌اندرکاران مسائل تجاری و حقوقی و همچنین برای حقوقدانان، قضات و وکلای دادگستری قابل استفاده است. علاوه بر این، نظر به مباحث مشترکی که در داوری تجاری بین‌المللی وجود دارد، کتاب مذکور از این حیث که به این قبیل مباحث پرداخته قابل استفاده می‌باشد. با توجه به کمبود و بلکه فقدان منابع و مآخذ کافی در این زمینه به زبان فارسی، ترجمه و انتشار این کتاب گام مثبت و مفیدی به شمار می‌آید.

ترجمه فارسی مستند تحریر الوسیله حضرت آیه الله العظمی امام خمینی (ره)،
جلد چهارم، کتاب دیات

مؤلف: حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ احمد مطهری
قم، چاپ شهید، ۱۳۶۸، ۳۷۶ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه، ۸۰۰ ریال.

به دنبال ترجمه کتابهای قضا، قصاص و حدود از سری مستندات
یازده جلدی تحریر الوسیله، کتاب دیات نیز ترجمه و نشر یافته است.
مطالب این کتاب شامل گفتارهای ذیل است: در اندازه دیه، در
موجبات ضمان، در مورد جنایت نسبت به اعضای بدن، دیات
اعضای بدن، در جنایت نسبت به منافع بدن و در لواحق دیات.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی